



بررسی پوپولیسم ادبی در نمایش نامه‌های توفیق حکیم

دکتر عبدالرزاق رحمانی^۱

استادیار زبان و ادبیات عربی مرکز مطالعات و تحقیقات هرمز، دانشگاه هرمزگان،

هرمزگان، ایران

امینه زرگر^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

زهرا گرمه‌ای^۳

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۳ تیر ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۸ آبان ۱۳۹۸؛ تاریخ انتشار: ۹ آذر ۱۳۹۸)

پوپولیسم اصطلاحی سیاسی است که با ظهور انقلاب‌های مردمی در روسیه و فرانسه ظهور کرد و پس از آن وارد ادبیات شد. این اصطلاح در سیاست به جانبداری از توده‌ی مردم پرداخت و در ادبیات نیز همین روند را در پیش گرفت و به بیان مفاهیمی می‌پردازد که با عامه‌ی مردم در ارتباط بوده است. این مکتب ادبی در فرانسه به اوج خود رسید و به بیان شرح حال مردم طبقه‌ی ضعیف و زندگی آن‌ها در زاغه‌نشین‌های اطراف شهر پرداخت و مانند سایر مکتب‌ها به سایر سرزمین‌ها انتقال یافت. توفیق حکیم، نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس و دارای آثار متعدد به سبک‌های گوناگون ادبی است. توجه به قضایای اجتماعی از مهم‌ترین شاخصه‌های نمایش‌نامه‌ها و رمان‌هایش است. او نویسنده‌ای متعهد است و به ثبت و نقد تحولات جامعه می‌پردازد. به‌خاطر روحیه‌ی اجتماعی و مردم‌پسند توفیق حکیم و تعهد و التزامی که او در مقابل همین مردم دارد، به‌عنوان نویسنده‌ای مردمی که موضوعات پوپولیستی را در آثار خود به قصد آگاهی و حرکت مردم به‌سوی مسیر درست برمی‌گزیند، شناخته می‌شود. اثر «المسرح المجتمع» که حاوی مضامین مختلف سیاسی و اجتماعی است، به‌عنوان شاهد مثال سبک پوپولیستی توفیق حکیم بررسی شد. پس از تعریف‌های ارائه‌شده از پوپولیسم و تطبیق آن با نمایش‌نامه‌های وی، این نتیجه به‌دست آمد که توفیق حکیم نویسنده‌ی مقلد بی‌چون‌وچرای مکتب پوپولیسم در غرب نبوده است. او در انتخاب مضامین و مفاهیم ابتکار و ابداع داشته است، و درون‌مایه‌ی آثار را متناسب با اقتضانات جامعه‌ی مصری خود انتخاب کرده است.

واژه‌های کلیدی: پوپولیسم، توفیق حکیم، توده‌ی مردم، نمایش‌نامه.

¹E-mail rahmani6038@gmail.com

©(نویسنده مسؤول)

²E-mail: amineh.zargar@gmail.com

³E-mail: garmehi.zahra@gmail.com

مقدمه

اوضاع سیاسی جهان و پیدایش حکومت‌ها و تغییرات و تحولات آن در ادبیات و بالطبع در ادبیات هرکشوری نقش عمده‌ای را ایفا نموده است. در طول تاریخ ادبیات جهانی، شاهد پیدایش سبک‌ها و اسلوب‌هایی بوده‌ایم که متأثر و وام‌گیرنده از این شرایط بوده‌اند؛ اما تحقیق و پژوهش درباره‌ی آن‌ها در ادبیات و همه‌ی حوزه‌های هنری آن دیرزمانی است که موردتوجه منتقدان و فعالان عرصه‌ی ادبیات قرار گرفته است.

مکتب‌های ادبی با نگرش به یونان و روم باستان پا به عرصه‌ی ظهور نهادند و در قرن‌های بعد از آن انواع متفاوت مکتب‌های ادبی به‌وجود آمد که از نظر موضوعی و ساختاری باهم تفاوت داشتند و به‌دنبال برخورد با شرق در این سرزمین جایگاهی درخور پیدا کردند مانند مکتب کلاسیک^۱، رومانسیسم^۲ و سمبلیسم^۳.

یکی از این مکاتب که تا به امروز در غرب طرفداران بسیاری داشته است مکتب «پوپولیسم»^۴ است. پوپولیسم ساختاری است که در سیاست و اقتصاد عمل می‌کند و براساس پژوهش‌های نوین، از عنصرهای فعال و پویای آن در این حوزه است و اما بنابر همان اصول ساختاری خود، قابل اجرا در دیگر حوزه‌ها و نهادها، از جمله حوزه‌ی ادبیات است که گاه صبغه‌ی سیاسی می‌گیرد. این مکتب برپایه‌ی مردم و با اتکا به آن‌ها بنا شده است؛ طبقه و قشری که این مردم را در برمی‌گیرد کارگران، دهقانان و فقیرانی هستند که رنج‌کشیدگان جامعه به‌شمار می‌روند.

توفیق حکیم نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس بزرگ جهان عرب، از سیاست حاکم بر قشر مردم بیزار است و درد و رنج مردم را حس می‌کند. او بسیاری از رمان‌ها و نمایش‌نامه‌هایش را با ایده‌گرفتن از همین مردم نوشته است.

ما در این پژوهش سعی بر آن داریم که میان آثار وی و پوپولیسم ارتباطی بیابیم و به این نتیجه برسیم که آیا می‌شود او را به‌عنوان نویسنده‌ای مردمی و آثارش را آثاری پوپولیستی معرفی کرد یا خیر؟ منابعی که درباره‌ی این مکتب ادبی در مصر یا جهان عرب بحث کنند، بسیار محدود است. روش پژوهش ما کتابخانه‌ای است و مقاله‌ای پیرامون این موضوع در حال حاضر وجود ندارد. در مسیر مطالعه و پژوهش در آثار این نویسنده و تطبیق پوپولیسم به پرسش‌هایی برخوردیم که در این مقاله سعی کردیم پاسخی برای آن‌ها دریا بیم.

¹ Classicism

² Romanticism

³ Symbolism

⁴ Populism

۱. پوپولیسم چیست و چه ارتباطی با ادبیات دارد؟
۲. آیا سفر توفیق حکیم به فرانسه در تغییر نگرش او به سوی این مکتب تأثیرگذار بوده است؟
۳. آیا اندیشه‌های توفیق حکیم در جهت‌دهی او به سوی این مکتب مؤثر بوده است؟
۴. آیا موضوعات به‌کاررفته در این مکتب در غرب با موضوعات به‌کاررفته‌ی آن در جامعه‌ی توفیق متفاوت است؟

۵. آیا زبان به‌کاررفته در آثار او برای طبقه‌ی خاص جامعه است یا عامه‌ی مردم نیز می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند؟

پوپولیسم چیست؟

پوپولیسم از کلمه‌ی لاتین «popul» به‌معنای مردم گرفته شده است؛ و توده‌گرایی، مردم‌گرایی و عوام‌زدگی ترجمه می‌شود.

بسیاری از نظریه‌پردازان سیاسی از آن به‌معنای «مردم‌باوری»، «عوام‌گرایی» و «عوام‌زدگی» یاد می‌کنند و در اصطلاح آن را این‌گونه تعریف می‌کنند: «به‌معنای مردم‌باوری و نام جنبش‌های مردمی و عمومی توده‌ها می‌باشد.» (حیدری‌خوئی ۱۳۸۰، ۸۴)

پل تاگارت^۱ آن را یکی از مفاهیم علوم اجتماعی می‌داند که در سیاست کشورها داخل شده است. در همه‌ی جنبش‌های این مکتب، مردم نقش تعیین‌کننده‌ای در روند پیروزی‌ها ایفا می‌کنند. آن‌ها هسته‌ی اصلی تشکیل‌دهنده‌ی این مفهوم اجتماعی سیاسی هستند.

ظهور پوپولیسم

پوپولیسم را می‌توان برگرفته از آرا و نظریات الکساندر هرترسن^۲ در روسیه دانست. او طبقه‌ی نخبه و روشنفکر روسیه را به رفتن میان مردم دعوت نمود که برنامه‌ی آن‌ها با شکست روبه‌رو شد. وی خواهان حرکت و انقلاب در میان مردم دهقان بود: «پیش به‌سوی مردم، پیش به‌سوی مردم، آنجا جای ماست، از پشت نیمکت‌های خود برخیزید، نشان دهید که جنگجویان مردم روسیه هستید.» (تاگارت ۱۳۸۵، ۷۸)

پوپولیسم ادبی

بیش‌تر جریان‌های سیاسی، اقتصادی، فلسفی و اجتماعی که در بطن تاریخ رخ داده است، دارای نمون‌های ادبی‌اند که تحت‌عنوان مکاتب ادبی از آن یاد می‌کنند. «پوپولیسم به‌عنوان مکتبی ادبی و هنری در سال ۱۹۲۹م به‌وجود آمد و هدف آن بیان احساس و رفتار مردم عامی بود و به ترسیم فرهنگ

¹ Paul A. Taggart

² Alexander Herzan

عامیانه می‌پرداخت که در نقطه‌ی مقابل ادبیات بورژوازی قرار داشت. بنیانگذاران این مکتب را «لئون لومونیه»^۱ و «آندره تریو»^۲ می‌دانند.

در این حوزه‌ی هنری و ادبی بیش‌ترین توجه به داستان‌ها و رمان‌هاست؛ رمان‌هایی را که در این مکتب نگارش می‌یابد به‌عنوان «رمان‌های مردمی» و ادبیات آن را «ادبیات مردمی» معرفی می‌کنند که می‌توان به «بینویان» و «ویکتور هوگو»^۳ و «در اعماق» ماگسیم گورکی^۴ اشاره کرد.

«رمان‌نویسان مردمی به‌مضامین عام از جمله زندگی دوچرخه‌داران حمل‌ونقل‌گر و کودکان تحت حمایت مددکاری اجتماعی توجه داشتند.» (ساجدی ۱۳۸۸، ۱۰)

ادبیات مردمی که منظور از آن همان پوپولیسم ادبی‌ست، در هرکشوری نویسندگان خاص خود را دارد و آثار زیادی را در این زمینه ثبت کرده‌اند. بیش‌تر این نویسندگان برآمده از خود این مردم بوده‌اند و از دردورنج آن‌ها آگاهی داشته‌اند و توانسته‌اند مردم و اهمیت آن‌ها را در آثار خود بیان نمایند (صمدی ۱۳۸۷).

اما باید دقت داشته باشیم که پوپولیسم و ظهور آن محدود به یک کشور یا یک منطقه‌ی خاص نمی‌شود، «اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که در قالب 'پوپولیسم' شناخته می‌شدند، بسیار متفاوت بوده و در هر جامعه و کشوری شکل خاص خود را دارد.» (آشوری ۱۳۸۲، ۳۰۰)

توفیق حکیم

«توفیق حکیم در سال ۱۸۹۸» (منصوری ۱۳۸۰، ۱۱۱) و «در سال ۱۹۰۲م» (عبدالصبور ۱۹۹۷، ۱۸۱) در روستای دلنجات در بحیره یکی از توابع مصر پا به عرصه وجود نهاد. پدرش مصری الأصل و دوست‌دار علم و تعلیم بود. مادرش زنی ترک‌نسب و دارای ثروت فراوان بود. وی به‌خاطر اینکه از سرمایه‌داران بود، مانع هم‌بازی شدن فرزندش با هم‌سن‌وسال‌های خودش می‌شد؛ اما عرق هم‌میهنی او را به عموها و دوستانش متصل می‌کرد.

در سال ۱۹۲۴م بعداز گرفتن مدرک لیسانس، والدین او برای اینکه بتوانند وی را از محیط مصر و از علاقه‌اش به ادبیات دور کنند، او را به فرانسه فرستادند تا در رشته‌ی حقوق ادامه تحصیل دهد. اما وی در سال ۱۹۲۸، با اندوخته‌هایی از ادبیات، بدون دکترای حقوق، به مصر بازگشت.

«او به‌عنوان یک متفکر برجسته عضویت هیچ حزبی را نپذیرفت ولی این به آن معنا نبود که از

¹ Leon Lemmonier

² Andre Trio

³ Les Misérables by Victor Marie Hugo

⁴ The Lower Depths by Maxim Gorky

مشکلات جامعه‌ی خود دوری بجوید.» (کاهه ۱۳۸۵، ۳۴۶)

یکی از انواع نثر، نمایش‌نامه است که یعقوب صنوع^۱ اولین کسی است که در سال ۱۸۷۰م در مصر نمایش‌نامه‌ی عربی را برپا کرد. بعد از او نیز دیگران راه او را درپیش گرفتند تا نوبت به پدر نمایش‌نامه‌نویسی عرب، توفیق حکیم، رسید. او گامی مهم در ساختن نمایش‌نامه براساس اندیشه و هنر برداشت و بعد از او محمود تیمور^۲ راه او را پیمود.

توفیق حکیم برجسته‌ترین نویسنده‌ی جهان عرب است که با آثار متعدد خود درزمینه‌ی نمایش‌نامه‌نویسی، آن را به‌عنوان یک قالب ادبی با اصول و قواعد معین معرفی کرد. اولین اثر نمایشی او «مهمان سنگی» است که در سال ۱۹۱۹م به سبکی رمزگونه علیه استعمار انگلیس و با زبانی عامیانه نوشت. اوج شهرت توفیق حکیم با نمایش‌نامه‌ی «اهل الکهف» است که در آن داستان‌های اسرائیلیات و داستان‌های قرآن را به هم آمیخته است. احیاکننده‌ی ادبیات نمایشی مصر (نمایش‌نامه) سرانجام در سال ۱۹۸۷م چهره در خاک فروکشید.

وی در طی سفر چهارساله‌ایی که به اروپا داشت، به تفاوت بسیار چشمگیر میان فرهنگ و هنر مصر و فرانسه پی برد. به نظر می‌رسد که جریان‌های رایج آن روز فرانسه و غرب به‌طور عام در بیداری توفیق سهم بسزایی داشته است.

تحلیل و نقد پوپولیسم ادبی در نمایش‌نامه‌های وی، مسلماً خالی از نتیجه نخواهد بود؛ زیرا در بیش‌تر آن‌ها می‌توان رگه‌هایی از این مکتب ادبی نوظهور در غرب را به‌خاطر آشنایی او با ادبیات غرب و نیز سازگاری کامل آن با اندیشه‌ها و تفکرات اسلامی یافت. اما از میان نمایش‌نامه‌های متنوع او، ما کتاب «مسرح المجتمع» را برگزیده‌ایم، او در مقدمه‌ی همین کتاب بیان می‌کند که این موضوعات و اشخاص برگرفته از جامعه‌ی مصری در زمان جنگ جهانی دوم هستند.

تأثیر پوپولیسم ادبی بر آثار توفیق حکیم

پوپولیسم ادبی موضوع و مکتبی است که به طبقات مردم وابسته است به‌جز طبقه‌ی حاکم که با آمدن لفظ آن، این اصطلاح نیز ضایع می‌شود؛ پس ادبیات آن در درجه‌ی اول، هنر طبقات ستم‌دیده، کارگران و کشاورزان است.

موضوعاتی را که پوپولیسم ادبی دربرمی‌گیرد به بخش‌هایی تقسیم می‌کنند: ادبیات روستا، ادبیات دهقانی، ادبیات کارگر، خرافات، اسطوره‌ها، حکایات مردمی و سرودهای مردمی. باید در نظر داشته

^۱ Yaqub Sanu

^۲ Mahmud Taymur

باشیم که موضوعات این مکتب محدود به این تقسیم‌بندی‌ها نیست؛ بلکه می‌توان اختیار و گزینش موضوعات را به شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم متصل نمود. تغییر اوضاع سیاسی در سیر تحول ادبیات نیز تأثیرگذار بود و آن را به سمت و سوی کشاند که هدف از آن تنها رضایت حاکم نبود. ادبیات و ادیبان به موضوعاتی توجه نمودند که شاید هیچ جایگاه اجتماعی نداشته باشند.

بررسی این مکتب ادبی در رمان‌های توفیق حکیم دارای جایگاهی روشن و قابل فهم است. او به خوبی توانسته به طبقات اجتماعی در این رمان‌ها نزدیک شود و درد و رنج‌های آن‌ها را لمس کند. «عصفور من الشرق» و «یومیات نائب فی الأریاف» نمونه‌هایی برای این سخن هستند (پرستگاری ۱۳۸۲، ۳). «مسرح المجتمع» شامل ۲۱ نمایش‌نامه‌ی نسبتاً کوتاه است که واقعیت جامعه‌ی عربی را مطرح می‌کند و غالباً دارای رنگ و صبغه‌ی مصری‌ست و در آن به بیان مشکلات مصر در نیمه‌ی اول قرن بیستم می‌پردازد. «توفیق در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۵۸ با 'دار اخبار الیوم' قراردادی منعقد کرد و تصمیم گرفت یک سری نمایش‌نامه با نام «المسرح المجتمع» و از طریق روزنامه‌ی «اخبار الیوم» به خوانندگان ارائه دهد.» (پرستگاری ۱۳۸۲، ۹) به نظر می‌رسد موضوعات به‌کاررفته در نمایش‌نامه‌ها از دید توفیق حکیم مسائل و مشکلات مردم آن روز است. در دوره‌های تاریخ ادبیات تحولی به‌وجود آمد به نام پایبندی به ادبیات. این تعهد و التزام به هنر نمایش‌نامه‌نویسی نیز رخنه کرد و نشان داد که «مؤلف نمایش‌نامه برای عرضه‌کردن آن هدفی دارد تا بتواند به وسیله‌ی آن به مردم خدمتی کند و امور آنان را اصلاح کند و عقیده‌ی آن‌ها را صیقل دهد و اخلاق آن‌ها را نیک گرداند...» (آخوندی ۱۳۸۱، ۱۴۷)

هدف از بررسی نمایش‌نامه‌های توفیق حکیم نیز همین مقوله از ادب است. التزام و تعهد این نویسنده‌ی بزرگ به‌عنوان فردی نخبه و روشنفکر در جامعه‌ی مصر و تأثیر افکار و اندیشه‌های او به‌خصوص نمایش‌نامه‌هایش در میان توده‌ی مردم و بیداری آنان و آگاهی‌بخشیدن به آن‌ها تا بتوانند در مسیر جامعه و اهداف متعالی گام بردارند.

برای تأیید این مکتب در نمایش‌نامه نمی‌توان تنها بر سخن تکیه نمود؛ لذا چند نمایش‌نامه از این کتاب انتخاب شده تا نمودهای آن را با ذکر نمونه بیان کرده باشیم. تطبیق پوپولیسم ادبی در داستان و رمان از دیرباز در غرب مورد توجه بوده است. اما ظهور آن در ادبیات عرب در عصر جدید بازتاب داشته است؛ با وجود اینکه این مکتب با اندیشه‌های اسلامی از نظر موضوع کاملاً سازگار است.

نمایش‌نامه‌ی «آواز مرگ»

خلاصه‌ی نمایش‌نامه

این نمایش‌نامه تصویر زنی را به‌نمایش می‌گذارد که در سالیان دور همسرش به دست مردی کشته شده و اکنون پس از گذشت سالیان پسرش بزرگ شده و با طی کردن مراحل تحصیل و نائل‌شدن به

درجه‌ی دینی به روستایش برمی‌گردد و مادر از او درخواست می‌کند که قاتل پدر را به قتل برساند و از آنجاکه پسر یک شخصیت تحصیل کرده و فرهیخته شده است حاضر به انتقام مرگ پدر نمی‌شود و مادرش او را به وسیله‌ی خواهرزاده‌اش به قتل می‌رساند. درانتهای نمایش مادر پشیمان می‌شود؛ اما پشیمانی دیگر سودی ندارد.

تحلیل نمایش‌نامه

در این نمایش توفیق حکیم یکی از عادات شایع در جامعه‌ی مصر و به‌خصوص در میان روستاییان را به‌تصویر می‌کشد. قصد ما از بیان این نمایش‌نامه این است که نشان دهیم او به موضوعی اشاره دارد که بسیار شایع است و حتی ممکن است بسیاری از مردم یا حتی نویسندگان به‌راحتی از کنار آن عبور کنند. موضوع آن انتقام است که یکی از مضامین اجتماعی‌ست. البته نمی‌توان اظهار کرد که این مسئله تنها در میان طبقات متوسط یا پایین جامعه رخ می‌دهد؛ بلکه موضوعی‌ست که در تمامی قشرهای جامعه و در همه‌ی فرهنگ‌ها ممکن است یافت شود. چنانکه رمان «بینوایان» اثر ویکتور هوگو که آن را رمانی مردمی محسوب می‌کنند، یکی از موضوعاتش که تا آخرین قسمت‌های داستان ثابت می‌ماند، حس انتقام‌جویی ژاندارم از ژان والژان است.

هرخواننده‌ای می‌تواند این نمایش را در ذهن خود بپروراند و حتی عاقبت امر را نیز حس کند و از آن متأثر شود. منظور از هرخواننده این‌ست که هر قشری با هر سطح فرهنگی می‌تواند با این موضوع ارتباط برقرار کند به‌این‌خاطر که موضوع آن موضوع ناشناخته‌ای نیست.

عنوان در این نمایش‌نامه مانند دیگر نمایش‌نامه‌های توفیق حکیم راهنمای خوبی برای دریافت موضوع اصلی نمایش‌نامه است به‌طوری‌که خواننده را از همان ابتدا تا انتهای داستان مشتاق به خواندن نمایش‌نامه می‌کند. از نکته‌های جالب دیگر این‌ست که توفیق حکیم در نهایت چیره‌دستی و با هنرمندی تمام در عنوان، دو موضوع عامیانه را که همان انتقام و آواز خواندن که در این داستان نشانه‌ایی‌ست برای انتقام‌گیری، خلاصه کرده است.

توفیق حکیم با به‌تصویر کشیدن یک فضا و محیط خانوادگی که شامل مادر و پسر و خاله و خواهرزاده می‌شود و همچنین ذکر علت قتل که خود مقتول قبل از کشته‌شدن قاتل بوده است بر موروثی بودن روحیه‌ی انتقام بین تک‌تک اعضای یک قبیله و شاید هم اعضای یک جامعه تکیه می‌کند. توفیق حکیم با انتظار هفده‌ساله برای گرفتن انتقام و باقی گذاشتن چاقوی آغشته به خون در تمام این سال‌ها شدت حس انتقام‌جویی و خون‌خواهی را به خواننده منتقل می‌کند. اکثر شخصیت‌های این نمایش‌نامه و افرادی که به دنبال انتقام‌اند، زن هستند و این خود بیانگر حساس بودن روحیه‌ی زنانه است.

از نکته‌های بارز دیگری که در این نمایش‌نامه برخلاف سایر نمایش‌نامه‌های توفیق حکیم به چشم می‌خورد، این است: با آنکه زبان و موضوع نمایش‌نامه عامیانه است؛ اما توفیق حکیم در نگارش این نمایش‌نامه از اسلوب بلاغی علی‌الخصوص استعاره و تشبیه به‌وفور استفاده کرده است و عنوان نمایش‌نامه خود دلیل واضحی بر این مسئله است. از نمونه‌های دیگر اسلوب بلاغی می‌توان به «قمیص الذل، ضرع الدهر» اشاره کرد.

یکی از زیبایی‌های این نمایش‌نامه این است که پسر مقتول که نماینده‌ی قشر تحصیل‌کرده و فرهیخته‌ی جامعه است با وجود خویشاوندی بسیار نزدیک حاضر به انتقام‌گرفتن نمی‌شود و این بیانگر عامی‌بودن مسئله‌ی انتقام و دوری‌گزینی انسان‌های فرهیخته از این موضوع است تا جایی که حتی بعضی از این افراد ممکن است به‌خاطر تن‌ندادن به خواسته‌ی انسان‌های عامی، قربانی آن‌ها شوند.

گفتگوهایی که در این نمایش‌نامه انتخاب شده‌اند، بسیار زیبا هستند و احساسات و عواطف و برخوردها را به‌تصویر می‌کشند. دیالوگ‌های کوتاه باعث می‌شود خواننده خسته نشود و نمایش را تا آخر دنبال کند. شخصیت‌های آن باشا، بک و سعادت نیستند؛ بلکه خانواده‌ای روستایی‌اند بدون هیچ عنوان، لقب و موقعیت اجتماعی.

اگر به تعریف و کاربرد پوپولیسم در ادبیات بازگردیم، خواهیم دید که توفیق حکیم در به‌کارگیری این موضوع پوپولیستی موفق عمل کرده است. در این نمایش زبانی را برمی‌گزیند که زبان همین مردم است، آن‌ها به زبان عامیانه‌ی خودشان صحبت می‌کنند مانند صحنه‌ی آخر که از «ترانه‌ی محلی روستاییان و هنگام غیرت نابجا، پشیمانی از عمل خوانده می‌شود.» (دادخواه ۱۳۸۸، ۱۵)

«یاخُلّ کم عذر	جدمنا إلیک والتوب
لومک لمازاد	مزجنا الجمیص والتوب
انالمسمعت بالأب	خجلی ما یجیش وصفه
وعینی الإثنین صبوا	علی الخدیید و صفوا»

(الحکیم ۱۹۹۵، ۵۲۳)

(ای دوست، چقدر بهانه و توبه به درگاه تو آوردیم!
وقتی که نکوهش و ملامتت زیاد شد، اشک و توبه باهم آمیختیم.
و وقتی امتناع تو را شنیدم، دگر شرمندگیم قابل وصف نبود،
و دو چشمانم بر روی گونه‌هایم اشک ریختند و بی‌اشک ماندند.)

نمایش‌نامه‌ی «می‌خواهم بکشم»

خلاصه‌ی نمایش‌نامه

توفیق حکیم در این نمایش‌نامه داستان زن و مردی را به تصویر می‌کشد که ظاهراً به شدت به یکدیگر علاقه‌مند هستند به طوری که هرکدام حاضر است جان خویش را فدای دیگری کند. اما این نمایش‌نامه چنان تنظیم شده که با ورود دختر همسایه به منزل آن‌ها که از بیماری روانی رنج می‌برد و تصمیم دارد با کشتن یکی از آن‌ها به وسیله‌ی تفنگی که در دست دارد به بیماری خود پایان دهد، از چهره‌ی حقیقی این رابطه‌ی صمیمانه پرده برمی‌دارد.

تحلیل نمایش‌نامه

این نمایش‌نامه دروغین‌بودن روابط اجتماعی را که هریک از زن و شوهر نماینده‌ی آن هستند، آشکار می‌کند. نویسنده قصد دارد که موضوع نفاق آن هم از نوع اجتماعی و خانوادگی را در جامعه‌ی مصر آن روز ترسیم کند که حتی به عواطف و احساسات نیز نفوذ کرده است.

او برای بیان مقصود خود از تصویری کاریکاتوری برای نقد عمیق انسانی بهره برده است. این نوع قربانی‌ها در طول تاریخ بوده و شاید بیان این موضوع و اهمیت آن از جانب توفیق حکیم برای این است که او خواهان صلح و آسایش است.

به نظر می‌رسد مراد آن موضوعاتی است که بنیان خانواده و اجتماع را می‌لرزاند، این موضوع نه تنها نوآوری محسوب نمی‌شود؛ بلکه معضل و مشکل جامعه‌ی امروز است که با ورود غربیان به مصر و آمیختگی آن‌ها با جامعه‌ی مصری به وجود آمده است.

شخصیت‌های این نمایش‌نامه به مانند نمایش‌نامه‌ی قبلی مردم مصر هستند (هرچند که این موضوعی عام و کلی است و قابل تعمیم به همه‌ی طبقات است)، موضوعی مردمی که زندگی مردم عادی بارها شاهد این نفاق و دروغ در همه‌ی ارکان بوده است.

توفیق حکیم این نمایش‌نامه را طوری تنظیم کرده است که از همان ابتدا و در پشت پرده به صورت مبهم و در جای‌جایش می‌توان نفاق و دورویی و دروغین‌بودن محبت زن و مرد را احساس کرد.

نویسنده عنوان نمایش‌نامه را در حاله‌ایی از ابهام قرار داده است به طوری که خواننده از همان ابتدا با سؤال‌هایی در ذهنش روبه‌رو می‌شود. نویسنده در عنوان، علت کشتن و یا مهم‌تر از آن شخص یا شیء یا حتی حیوانی را که تصمیم به قتل آن گرفته، مشخص نکرده است؛ بلکه با صراحت و با قطعیت تمام می‌توان گفت نویسنده با انتخاب این عنوان ابهام‌برانگیز نویسنده را مجبور می‌کند تا انتهای نمایش‌نامه پیش برود. در واقع نویسنده تصمیم دارد نفاق و دورویی را در خانواده که نماینده‌ی یک جامعه است، از بین ببرد. او می‌خواهد نفاق و دورویی را بکشد نه شخص یا شیء را. حال، به نمونه‌هایی از اتفاقاتی که نفاق و دوروغین‌بودن رابطه‌ی زن و مرد را در این نمایش نمایان می‌سازد، می‌پردازیم:

۱. مرد از نماینده‌ی تأمین اجتماعی درخواست می‌کند که به هیچ‌عنوان همسرش از تصمیمش آگاه

نشود و علاقه‌ی شدید او به همسرش را دلیل این کار می‌داند؛ درحالی‌که با اتفاقی که در جریان نمایش‌نامه رخ می‌دهد، مشخص می‌شود که این تصمیم مرد آنی و لحظه‌ای بوده است و تمام اصرار او برای مطلع‌نشدن همسرش این است که هرزمان خواست بدون هیچ مشکلی این تصمیم را لغو کند.

۲. زن تازمانی‌که مرد درقید حیات است از اموال او هیچ بهره‌ای ندارد و بهره‌بردن زن از اموال مرد منوط به مرگ مرد است و این شرایط می‌تواند بیانگر دست‌ودلباز نبودن مرد و علاقه‌ی شدید او به دارایی‌اش باشد.

۳. مرد تمایل خود را به بچه‌دارشدن ابراز می‌کند؛ اما هنگامی‌که زن از این موضوع ناراحت می‌شود، مرد با زن هم‌عقیده می‌شود. درحالی‌که این ظاهر قضیه هست و مرد به‌هیچ‌عنوان این تمایل خود را فراموش نکرده و در کشاکش داستان و در رویارویی با دختر بیمار همسایه، دوباره این خواسته را مطرح می‌کند.

نویسنده درابتدا نفاق و دورویی را در محیط خانواده به‌تصویر می‌کشد؛ اما با ورود دوباره‌ی مأمور تأمین اجتماعی به صحنه‌ی نمایش و درگیری، نمایان می‌کند که تک‌تک اعضای جامعه از محبت‌عاری هستند و حاضر نیستند نسبت به یکدیگر ایثار و ازخودگذشتگی نشان دهند.

اوج هنرمندی توفیق حکیم آنجاست که مرد و زن را مختار می‌کند که خودشان انتخاب کنند کدام‌یک کشته شود و این بهترین و جنجالی‌ترین راه برای پایان است؛ چون از همان ابتدا مرد و زن را با نفس خود درگیر می‌کند و تلاش می‌کند نفاق و دورویی را در وجودشان و به‌وسیله‌ی خودشان به اثبات برساند و آن‌ها را از ویژگی ناپسند نفاق و دورویی که در درونشان نهفته است، آگاه کند.

نمایش‌نامه‌ی «گرسنگی و فقر»

خلاصه‌ی نمایش‌نامه

این نمایش‌نامه ماجرای مردی را به‌تصویر می‌کشد که در رستوران همیشگی منتظر معشوقه‌اش که یک خانم متأهل است، نشسته؛ بعد از اینکه ساعت‌ها از نیامدن معشوقه‌اش می‌گذرد، همسر معشوقه سراسیمه و هراسان از راه می‌رسد و از آنجایی‌که با آن مرد آشنایی قبلی داشته به او می‌گوید که همسرش را در یک رستوران با یکی از دوستانش مشغول خوردن کباب دیده است. بعد از آنکه دیالوگ‌هایی بین آن‌ها ردوبدل می‌شود و اطلاعات جدیدی از آن معشوقه در اختیار مرد قرار می‌گیرد، همسر زن با اطمینان و اعتماد کامل نسبت به پاکدامنی زنش رستوران را ترک می‌کند؛ اما آن مرد وقتی از ماهیت حقیقی زن آگاه می‌گردد، از او متنفر می‌شود. در این حین، وجود کودک فقیر به نمایش‌نامه و نشاندنش بر سر میز غذا و دیالوگ‌هایی که بین آن کودک و مرد ردوبدل می‌شود، موضوع اصلی نمایش‌نامه را به‌تصویر می‌کشد.

تحلیل نمایش نامه

نویسنده در این نمایش نامه، فقر را که یکی از معضلات و مسائل اجتماعی است و تمامی جوامع با آن دست و پنجه نرم می کنند، به تصویر کشیده است. توفیق حکیم برای به نمایش گذاشتن فقر و پایین بودن سطح مالی، عدم توانایی تهیه مواد غذایی را که یکی از ابتدایی ترین نیازهای یک فرد است، انتخاب کرده است. او برای به تصویر کشیدن این موضوع از سه شخصیت بهره گرفته است:

زن: در ابتدای نمایش نامه چنین به نظر می رسد که زن موضوع اصلی این نمایش نامه است؛ اما اندکی که از دیالوگ های نمایش نامه می گذرد، متوجه می شویم توفیق حکیم از شخصیت زن بهره گرفته است تا به وسیله آن دو موضوع اصلی و مهم را در جامعه مصریان بررسی کند: موضوع اول تهاجم فرهنگی و غرب زدگی است؛ شخصیت زنی که توفیق حکیم در این نمایش نامه به تصویر می کشد زنی است که تعهد خود را به خانواده به فراموشی سپرده است و بی محابا با مردان مختلف مشغول است و همین آزادی و بی تعهدی و بی تفاوتی به تعالیم دینی، ثمره تهاجم فرهنگی و استعمار است. در مقابل این زن، همسرش هم بی بهره از تهاجم فرهنگی نبوده و بی خیالی این مرد و قانع شدن او با دلایل کودکانه، نشانی از تهاجم غرب بر فرهنگ اسلامی مصر است. توفیق حکیم، علاوه بر اینکه تهاجم خوردن کباب بر نیاز مادی و فقر او تأکید می کند و شاید همین نیاز مادی او باعث ایجاد رابطه های ناپسند با دوستان همسرش شده باشد!

کودکان فقیر: توفیق حکیم از همان ابتدای داستان کودکان فقیری را وارد نمایش می کند که درحین اینکه با کمی سن خویش مشغول کار هستند؛ از نیازهای اولیه که همان آب و نان است، بهره ای ندارند. توفیق حکیم در این نمایش نامه به یک کودک فقیر بسنده نکرده است؛ بلکه بارها و بارها در جای جای داستان از اسم کوچک آنها نام می برد که این مسئله بیانگر همگانی بودن فقر در جامعه آن زمان مصر است. دردناک تر از فقر و نیاز مادی این کودکان، بی توجهی دولت مصر و ثروتمندان جامعه به آنهاست و حتی تحقیر آنها و هم طراز دانستن آنها با حیوانات. نویسنده برای بیان این تصویر مردی را وارد صحنه نمایش نامه کرده است که در ابتدای داستان حاضر نیست تکه نانی در اختیار کودک گرسنه قرار دهد؛ اما پس از آگاهی از خیانت زن، گویی وجدان او بیدار شده باشد به این نتیجه می رسد که کمک به نیازمندان ارزشی بس والاتر از هوس های گذرا داشته و میز غذای خود را در اختیار او قرار می دهد. توفیق حکیم در این نمایش نامه به خوبی و باصراحت تمام این ماجرا را به تصویر کشیده است. از رفتارهای تحقیر آمیزی که توفیق حکیم نسبت به فقرا جامعه ذکر می کند، دادن پسمانده های غذا و میوه های شان به آنهاست. از نکته های بارزی که در این نمایش نامه به چشم می خورد، دیالوگ هایی است که بین کودک فقیر و مرد ردوبدل می شود و محتوای تمام این دیالوگ ها پرده از علل فقر برمی دارد.

سگ‌های ولگرد: نویسنده در این نمایش‌نامه برای بیان مسئله‌ی فقر به‌طور گذرا به سگ‌های ولگرد و گرسنه‌ایی که در جامعه هستند، اشاره می‌کند. هرچند توفیق حکیم اطلاعات چندانی از آنها در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد؛ اما همین اشاره‌ی گذار بیانگر فقر و پایین‌بودن سطح فرهنگی جامعه است.

نمایش‌نامه‌ی «این مرد را می‌خواهم»

خلاصه‌ی نمایش‌نامه

نویسنده در این نمایش‌نامه زنی را به‌تصویر می‌کشد که شیفته و دل‌باخته‌ی یک وکیل معروف شده است و از آنجاکه این دل‌باختگی امری یک‌طرفه است، تصمیم می‌گیرد خود برای ابزار علاقه نزد وکیل برود و درخواست ازدواج بدهد.

تحلیل نمایش‌نامه

موضوع کلی که توفیق حکیم در ذیل آن به موضوع زن و تغییر رفتار و آزادیش می‌پردازد، تهاجم فرهنگی است و این از نتایج استعمارست که ترمرد بر حجاب را برای زن مصری به‌ارمغان آورده است. او به بیان این مسئله می‌پردازد؛ زن مصری که تا دیروز در حجره‌ی خانه‌اش بود و حضور او در اجتماع کم‌رنگ بود، امروز به‌لطف همین استعمار و آگاهی و بیداریش، از آزادی‌اندیشه و انتخاب بهره می‌برد و حقوقی مساوی با حقوق مرد می‌خواهد.

نویسنده در این نمایش‌نامه برخلاف نمایش‌نامه‌ی «می‌خواهم بکشم» که همه‌چیز را در هاله‌ایی از ابهام قرار داده بود، صراحت را انتخاب کرده است. این صراحت و سخن‌گفتن بی‌پرده از همان عنوان قابل‌فهم است؛ نویسنده در عنوان بی‌پرده و باصراحت تمام خواسته‌ی یک زن شرقی، یعنی درخواست ازدواج از یک مرد معروف، را بیان می‌کند. خواسته‌ایی که بیان آن از جانب زنان تا زمان حال یک امر غیرمعقول و غیرمتعارف قلمداد می‌شود.

درست است که هدف توفیق حکیم در این نمایش‌نامه بیان غرب‌زدگی زنان و فراموش کردن اعتقادات و آموزه‌های دینی از جانب آنان است؛ اما توفیق حکیم به‌هیچ‌عنوان این مسئله را فراموش نکرده که این چنین زنان تنها نمونه‌ی اندکی از زنان جامعه‌ی او هستند و هنوز هم اکثر زنان پایبند به اعتقادات دینی‌اند و برای بیان این مسئله زنی را به‌تصویر می‌کشد که درمقابل شخصیت اصلی نمایش‌نامه قرار دارد و از تصمیم دوست خود بی‌خبر است و به‌محض آگاهی از تصمیم او صحنه را به‌سرعت ترک می‌کند.

شخصیت اصلی این نمایش‌نامه از همان ابتدای داستان از اعتقادات دینی و مذهبی که باعث شده زن در پشت پرده‌ی حجب و حیای خویش پنهان بماند و باید منتظر باشد تا در ابتدا مرد او را برای

ازدواج انتخاب کند، نارضایتی‌اش را بیان می‌کند و دلایلی که زن برای این انتخاب و خوبی‌های این مرد وکیل ذکر می‌کند همه دلایل مادی هستند و می‌توان به صراحت بیان کرد فقر و بهره نداشتن از سطح فرهنگ بالا دلیل بیان این درخواست آن هم صراحتاً و بی‌پرده از جانب شخصیت اصلی نمایش‌نامه است؛ حتی زن برای متقاعد کردن دوستش و دینی جلوه‌دادن این کارش از الگوی دینی، حضرت خدیجه سلام الله علیها، مثال می‌آورد.

بررسی عوامل غرب‌زدگی و تهاجم فرهنگی در نمایش‌نامه‌ی «این مرد را می‌خواهم» به قرار زیر است:

۱. صراحت داستان: نویسنده در تمامی مراحل داستان از عنوان گرفته تا انتهای داستان از موضوع اصلی تا موضوعات فرعی که شامل درخواست نوشیدنی‌ست صراحت بیان و کنار گذاشتن تعارفات را، که یکی از ویژگی‌های بارز غربیان است، انتخاب کرده به‌طوری‌که منشی آقای وکیل از این صراحت بیان تعجب می‌کند.

۲. فراموش کردن حیا از جانب شخصیت اصلی نمایش‌نامه است و همین بی‌حیایی و بی‌دینی‌ست که باعث می‌شود درخواست ازدواج خویش را به صراحت بیان کند.

۳. درخواست لمس کردن دست مرد از جانب زن، پیراستن خویش که شامل آراستن مو، لاک‌زدن ناخن‌ها و داشتن آئینه در کیفش برای آگاهی از وضع ظاهریش است.

به نظر می‌رسد توجه توفیق حکیم به مسئله‌ی زن، که در بسیاری از آثارش محور کلیدی داستان است، به این سبب باشد: همان‌گونه که در پوپولیسم ادبی در غرب، فقر و حرفه‌ها موضوع اصلی رمان‌ها بوده‌اند، در شرق «زن» مهم‌تراز شغل است. زن موضوع عامی‌ست که با پرداختن ریزبینانه به آن قصد دارد افکار زنان و مسیری را که در آن قدم برمی‌دارند، روشن کند؛ هرچند ممکن است در برخی قسمت‌ها به‌دیده‌ی اغماض به آن بنگرد.

موضوعات پوپولیسم ادبی لزوماً، همان موضوعات جامعه‌ی غربی نیست؛ به‌خاطر اینکه شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در هر جامعه‌ای متفاوت از جامعه‌ی دیگر است. مصر نیز از این موضوع مستثناء نیست.

مصر به‌خاطر وجود استعمار و تغییر فرهنگ، از آزادی زن رنج می‌برد، و این به موضوعی مبدل شد که بسیاری از نویسندگان در این زمینه قلم‌فرسایی کردند. پس می‌توان موضوع زن را به دیگر موضوعات پوپولیسم، آن هم در ادبیات مصر، اضافه کرد. هرچند که موضوعات این مکتب همان‌طور که پیش‌تر بیان کردیم در جهان ثابت شده است.

در بررسی نمایش‌نامه‌های «المسرح المجتمع» ویژگی مشترک همه‌ی آن‌ها، زبانی‌ست که توفیق حکیم برای بیان آن‌ها به‌کار گرفته است. این سبک را می‌توان در دیگر آثارش نیز مشاهده کرد؛ لیکن در

این اثر نمود بارزتری داشته است. «وی با به‌کارگیری جملات کوتاه و مؤثر در قالب گفتگو و مونولوگ و نقل، داستان را به خواننده القاء می‌کند.» (صادقی ۱۳۸۹، ۱۸۴)

نمایش‌نامه‌ی «المسرح المجتمع» توفیق حکیم به‌رغم دربرداشتن مفاهیم ژرف انسانی از متنی ساده و روان برخوردار است به‌گونه‌ای که خوانندگان عادی هم به‌راحتی می‌توانند مفاهیم آن را بفهمند. زبان نمایش‌نامه‌ی وی آمیزه‌ای از زبان رسمی و زبان عامیانه و محلی‌ست، این ویژگی سبب شده است تا لایه‌های گوناگونی از طبقات اجتماعی مردم بتوانند نمایش‌نامه‌ی وی را بخوانند. «(دادخواه ۱۳۸۸، ۳) این مطلب دلیل بر پایین‌بودن سطح دانش و فرهنگ وی نیست؛ بلکه این نشان از هم‌فکری او با همه‌ی مردم و توجه او به جامعه و مردمانش است. او به‌عنوان یک روشنفکر و نخبه‌ی مصری سعی در آگاه‌کردن مردم از محیط اطرافشان دارد؛ لذا در انتخاب شخصیت‌ها از همه‌ی اقشار جامعه استفاده می‌کند: از باشا، بک، سعادت، وکیل، طیب و طفل و...»

یکی از شاخه‌های پوپولیسم ادبی «پوپولیسم دهقانی» است که در آن به کشاورزان و دهقانان و مشکلات آن‌ها توجه می‌شود. هرچند توفیق حکیم در این اثر، به این شاخه از پوپولیسم نپرداخته است. دل‌مشغولی توفیق حکیم در این اثر کارگران و کشاورزان نبوده‌اند و به موضوعات آن‌ها توجهی نشان نداده است. البته نمی‌توان گفت که او این مسئله را نادیده گرفته است؛ چراکه او در نمایش‌نامه‌ی «حمارالحکیم» به این موضوع پرداخته و علت تنگدستی و گمراهی کشاورزان را استعمار و سلطه‌ی ترکان قلمداد می‌کند. به‌نظر وی استعمار و تأثیر آن در جامعه‌ی مصر عامل مهمی‌ست در اینکه توانسته است نظر بسیاری از نویسندگان را به خود جلب کند. این موضوع کلی، بسیاری از موضوعات جزئی را در دل خود نهفته که هرکدام از آن‌ها درد دل مردم رنج‌دیده و ستم‌دیده است.

او در آثار خود بی‌تأثیر از فرهنگ و ادبیات غرب به‌ویژه فرانسه نیست؛ اما گرایش او به‌سوی توده‌ی مردم را اگر تقلیدی از غرب بدانیم، تنها به‌خاطر این تأثیرپذیری نیست. او مسلمان است و بازتاب اندیشه‌های اسلامی و دینی را می‌توان در بسیاری از شاهکارهایش مشاهده نمود. «توفیق حکیم به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته و بااهمیت ادبیات دراماتیک مصر می‌تواند دورنمایی از زمینه‌های اندیشه‌ی اسلامی بازتاب‌یافته در تئاتر اسلامی و عربی را نشان دهد.» (عثمان ۱۳۸۴، ۳۴) با خواندن آثار او به‌سادگی می‌توانیم روح دینی و شرقی او را حس کنیم که در برابر مسائل جامعه سکوت نکرده است. «او به‌عنوان یک متفکر برجسته عضویت هیچ حزبی را نپذیرفت چرا که آن را دور از شأن یک نویسنده می‌پنداشت؛ ولی این به آن معنا نبود که از مشکلات جامعه‌ی خود دوری بجوید و کنج عزلت برگزیند... توفیق حکیم توانست با استفاده از قالب نمایش‌نامه انتقادهای گزنده‌ای را متوجه حکومت زمانه‌ی خود کند و دروغین‌بودن نظام انتخاباتی دموکراسی حکومت را فاش نماید.» (کاهه ۱۳۸۵، ۳۴۶)

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که می‌توان توفیق حکیم را به‌عنوان یک نویسنده‌ی مردمی و ادبیات او را ادبیات مردمی معرفی کرد. او شاخصه‌های پوپولیسم ادبی را مستقیماً از غرب نگرفته و در نزد او امری ملی و فطری بوده است و دربرخی از موضوعات نیز با غربیان متفاوت است که این مطلب تأکیدی بر ابتکار و توجه بیش‌تر نویسنده‌ی عرب بر جامعه و مردم خود را نشان می‌دهد. او به عوام‌گرایی و توده‌ی مردم علاقه نشان می‌دهد با اینکه خود را وابسته به طبقه‌ی بورژوازی می‌داند. ارتباط مکاتب سیاسی یا اقتصادی و... با ادبیات باعث گسترش موضوعات آن می‌شود. ظهور مکتب پوپولیسم ادبی در ادبیات به‌عنوان یک مکتب موضوعی و مضمونی، ادبیات را از قیدوبند عده‌ای خاص به‌ویژه طبقه‌ی فئودالیسم رها کرد و آن را در دسترس عامه‌ی مردم قرار داد. موضوعاتی که مکتب پوپولیسم در پیش می‌گیرد، عجین شده با باور مردم است و با استقبال آن‌ها مواجه شده است. توفیق حکیم به‌عنوان یک نویسنده و نمایش‌نام‌نویس در هر دو حوزه‌ی ادبی توانسته است مردم را به‌صحنه‌ی داستان‌هایش بکشاند. ابتکار توفیق حکیم استفاده از قالب گفتگو بوده است که البته گاهی زبان ساده‌اش با رمز آمیخته می‌شود. زبان نویسنده برای بیان در نمایش‌نامه، زبانی ساده و بسیط و قابل‌فهم برای توده‌ی مردم است و مخاطبانش تنها روشنفکران و طبقات بالای جامعه نیستند.

منابع و ارجاعات

- آخوندی، مهدی. (۱۳۸۱). ترجمه و نقد نمایش‌نامه‌ی *اهل الکهف*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی: تهران.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۲). *دانش‌نامه سیاسی*، چ ۹، تهران: مروارید.
- پرستگاری، سهیلا. (۱۳۸۲). توفیق الحکیم و سیر نمایش‌نویسی او، *مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی*، زبان و ادبیات عربی و قرآنی.
- تاگارت، پل. (۱۳۸۵). *پوپولیسم*، ترجمه حسن مرتضوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات آشتیان.
- حسین، کمال‌الدین. (۱۹۹۲). *المسرح و التغيير الاجتماعي فی مصر، الدار المصرية اللبنانية: القاهرة، الطبعة الاولى*
- الحکیم، توفیق. (۱۹۹۵). *المؤلفات الكاملة، جلد الثاني، الطبعة الاولى*، المكتبة ناشرون: اللبنا.
- حیدری‌خوئی، امیر. (۱۳۸۰). *مکتب‌ها و اصطلاحات سیاسی*، چ ۱، تهران: خاتم سبز.
- دادخواه، حسن و سلیمی، فاطمه (۱۳۸۸). بررسی سبک ادبی در نمایش‌نامه‌های توفیق الحکیم، *نشریه‌ی*

- دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره‌ی جدید، ش ۲۶. صص. ۱۱۵-۱۳۳.
- ساجدی، طهمورث. (۱۳۸۸). *بررسی مبادی پرپولیسم فرانسه و ابعاد ادبی و اروپایی آن*، تهران؛ نشر دانش.
- صادقی، زینب. (۱۳۸۹). *ترجمه و نقد و بررسی نمایش‌نامه شمس و قمر اثر توفیق حکیم*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- صمدی، غلامرضا. (۱۳۸۷). *مدعیان دموکراسی از همه اتوکرات‌ترند: www.bna.ir*
- صنعتکار، فاطمه. (۱۳۵۹). *نظم نوین*، تهران: نظم.
- عبدالصبور، صلاح. (۱۹۹۷). *ماذا بیتی منهم للتاریخ، القاهرة: الهيئة المصریة للكتاب*.
- عثمان، احمد. (۱۳۸۴). *سرچشمه‌های کلاسیک در تئاتر توفیق الحکیم*، ترجمه‌ی قاسم غریقی، تهران: سوره مهر.
- کاهه، علیرضا. (۱۳۸۵). *توفیق الحکیم روائیا، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران*.
- المدیونی، محمد. (۲۰۰۴). *المسرحیة العربیة المعاصرة، المعهد الأعلى للتربیة و التکوین المستمر، تونس*.
- مندور، محمد. (۱۹۶۰). *مسرح توفیق الحکیم، الطبعة الثالثة، مصر: دارنهضة*.
- منصوری، محمدمهدی. (۱۳۸۰). *توفیق الحکیم و مسرحياته، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران*.
- هیکل، احمد. (۱۹۹۴). *تطور الادب الحديث فی مصر، الطبعة السادسة، القاهرة: دارالمعارف*.

References

- Akhondi, Mehdi (2001). *tajomeh va naqd-e namāyefnāme-ye ahl-e al-kaḥf*, Masters Thesis, Islamic Azad University. Tehran.
- Ashuri, Darius (2002). *dānefnāmeḥ-ye siyasi*, 9th Ed., Tehran: Morvarid.
- Parastgari, Soheila (2003). *Tawfiq al-Hakim va seyr-e namāyefnevisi-ye u*. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Arabic and Quranic Language and Literature*.
- Taggart, Paul (2006). *Populism*. Translated by Hasan Mortazavi. Second Edition. Tehran: Ashtian Publications.

- Hussein, Kamaluddin (1992). *Almosrah wa altaqir al-ejtemāi fi Mesr*, 1st Ed., Cairo: al-Dar al-Mesriya al-lebanoniya.
- Al-Hakim, Tawfiq (1995). *Al-moalifat al-kamila*, 2nd Vol. 1st Ed., Book Publisher: al-Lebanon.
- Heydari Khoi, Amir (2000). *Maktabhā va estelāhāt-e siyāsi*, 1th Ed., Tehran: Khatam Sabz.
- Dadkhah, Hassan (2009). barresi-ye sabk-e adabi dar namāyefnāmeḥāye Tawfiq Hakim, *Journal of Faculty of Literature and Humanities*, Shahid Bahonar University of Kerman, New Course, Vol. 26., pp. 115-133.
- Sajedi, Tahmoures (2009). *barresi mabadi populism-e farānse va ab'ād-e adabi va urupāi-ye ān*. Tehran: Danesh.
- Sadeghi, Zeinab (2009). *tarjomeh va naqd va barresi-ye namāyefnāmeḥ-ye jams va qamarasar-e tawfiq hakim*, MSc thesis, Islamic Azad University: Tehran
- Samadi, Gholamreza (2008). *modai'yān demokrasi as hame autokrattarand*, www.ibna.ir
- Sanatkar, Fatemeh (1980). *nazm-e novin*, Tehran: Nazm.
- Abdul Sabour, Salah (1997). *māzā yabqi menhom lel-tarkh*. Cairo: al-Hayat al-mesriya lel-kitab.
- Osman, Ahmed (2005). *sarchefmehāye kelāsik dar te'atr-e tawfiq al-hakim*, Translated by Qassim Gharighi, Tehran: Surah Mehr.
- Kahe, Ali Reza (2006). *tofiq al-hakim ravāia*, M.Sc., Allameh Tabataba'i University. Tehran.
- Al Madduni, Muhammad. (2004). *al-mosriheye al-arabiye al-mo'āser, al-ma'hed al-ala lel-taribyat wa al-takvin al-mostamer*. Tunisia.
- Mendover, Muhammad (1960). *mosreh-e tawfiq al-hakim*, 3rd Ed. Egypt: darnehza.
- Mansouri, Mohammad Mehdi (2001). *tawfiq al-hakim wa mosrihyateh*, M.Sc., Allameh Tabataba'i University: Tehran.
- Hickel, Ahmad. (1994). *tatur al-adab al-hadis fi mesr*, 6th Ed. Cairo: dar-alma'aref.

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Rahmani, A., Zargar, A. & Garmehi, Z. (2019). The Study of Literary Populism in Tawfiq al-Hakim's Plays. *Language Art*, 4(4):77-94, Shiraz, Iran. [in Persian]

DOI: 10.22046/LA.2019.22

URL: <https://www.languageart.ir/index.php/LA/article/view/134>





ORIGINAL RESEARCH PAPER

The Study of Literary Populism in Tawfiq al-Hakim's Plays

Abdolrazagh Rahmani¹©

Assistant Professor, The Studies and Research Centre, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran.



Amineh Zargar²

PhD student of Arabic Language and Literature Department, University of Yazd, Yazd, Iran.



Zahra Garmehi³

Master of Arabic Language and Literature from Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.



(Received: 24 June 2019; Accepted: 8 November 2019; Published: 30 November 2019)

Populism is a political term appeared with the rise of popular revolutions in Russia and France. Afterwards, it penetrates into literature. This term signifies advocating common people in politics, it follows the same trend in literature, too. The populist criticism culminates in France, because French critics were concerned with the literary works which treat low classes, undergrounds and miserable people. Tawfiq al-Hakim is an Egyptian prominent writer who studied law but devoted his life to literature and writing. He was a prolific writer who wrote in different styles. His works are characterized with commitment with the social problems and criticism of the social changes. Since the drama is written in dialogical form, it can deal with common people's concerns better than novel. Moreover it has no limitation in choosing the topics. This popular social spirit as well as his commitment to common people have made al-Hakim a popular writer. He exploited these themes to increase people's awareness and help them in managing their social problems. Applying the populist criticism, this article shows that Tawfiq al-Hakim's work was not a mere imitation of Western populist works. His innovations can be found in selection of the themes and concentration on local problems.

Keywords: Populism, Tawfiq Al-Hakim, Common People, Drama.

¹ E-mail: rahmani6038@gmail.com © (Corresponding Author)

² E-mail: amineh.zargar@gmail.com

³ E-mail: garmehi.zahra@gmail.com